

نقش بلدیة در کنترل بازار در دوره پهلوی اول

مرتضی ابراهیمی دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد
دکتر سهیلا ترابی فارسانی استادیار تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

چکیده

کنترل و تنظیم بازارهای شهری، از موارد اعمال نفوذ حکومت‌ها بوده است. در دوره پهلوی اول برای تنظیم بازار از ابزارهای مختلفی استفاده شد؛ یکی از این ابزارها نهاد بلدیة بود. نهاد نوپایی که دیرزمانی از تأسیس آن نمی‌گذشت و در دوره پهلوی اول به عنوان ابزاری در دست حاکمیت در جهت نوسازی جامعه استفاده می‌شد و از این جهت نهاد پر اهمیتی بود. یکی از وظایفی که بر عهده بلدیة نهاده شده بود، تنظیم بازار و جلوگیری از قحطی و کمبود کالاهای اساسی در شهر بود. در راستای این وظیفه، بلدیة امکان مداخله در امور مربوط به بازار را یافت و تا حدی بر اصناف گوناگون کنترل پیدا کرد. در همین راستا بلدیة به گسترش فضای فیزیکی بازار پرداخت، از سدمعبر توسط کسبه جلوگیری کرد، به بهداشت مواد غذایی که در بازار ارائه می‌شد، پرداخت و از همه مهم‌تر به تنظیم بازار کالاهای اساسی مانند نان و گوشت پرداخت. در کنار مخالفت‌هایی که بخش سنتی جامعه با این تغییرات داشت گروه‌های دیگر جامعه از این اقدامات رضایت داشتند و حتی برخی از اصناف خواستار ورود بیشتر بلدیة در امور مربوط به بازار و صنف‌هایشان بودند.

این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی و بر اساس بهره‌گیری از اسناد و روزنامه‌های دوره پهلوی اول تنظیم شده است. هدف این تحقیق بررسی فعالیت‌های نهاد نوپای بلدیة در زمینه چگونگی عرضه و تقاضای کالاهای اساسی و کنترل و تنظیم بازار است و سعی دارد به این پرسش اساسی پاسخ دهد که در اثر فعالیت‌های بلدیة در این زمینه چه تغییراتی در وضعیت معیشت مردم ایجاد شد؟ در پاسخ به این پرسش به وظایف مشخص شده بلدیة در این زمینه پرداخته می‌شود و سپس اقداماتی که این نهاد در زمینه کنترل اقلام معیشتی مردم انجام داد را بررسی کرده، به اعتراضات و شکایات مردم پرداخته و در نهایت نتیجه فعالیت نهاد بلدیة در این زمینه ذکر می‌شود.

واژگان کلیدی: بلدیة، کنترل بازار، عرضه و تقاضای کالا، معیشت عمومی، رضاشاه.

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۶ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۲

E-mail: morteza_ebrahimi1360@yahoo.com

مقدمه

در دوره قاجار کنترل زیادی بر بازار وجود نداشت؛ درگیری‌های ایران با دو قدرت بزرگ روس و انگلیس و خوش‌گذرانی‌های برخی از شاهان قاجار مانع از توجه جدی به این مقوله می‌شد. گرانی و کم‌فروشی رواج داشت و قحطی‌های گاه و بیگاه مردم را به ستوه در می‌آورد. در این حال وجود نهادی مستقل که بر بازار نظارت داشته باشد و به تأمین اقلام اساسی و مورد نیاز مردم بپردازد به شدت احساس می‌شد. بعد از پیروزی انقلاب مشروطه و با مصوبات مجلس لزوم نظارت دولت بر حوزه عمومی در قالب نهادهای جدید به طور رسمی و قانونی شکل گرفت. نهاد بلدیّه یا شهرداری یکی از این نهادها بود که نظارت بر حوزه عمومی را به عهده داشت و بر اساس تصویب قانون بلدیّه در سال ۱۳۲۵ ه.ق. یکی از وظایف مهم آن رسیدگی به وضعیت معیشت عمومی مردم از طریق نظارت بر بازار بود. با پیروزی انقلاب مشروطه و تصویب قانون تشکیل بلدیّه‌ها در ایران، سیل نامه‌های مردمی به بلدیّه‌ها نشان از رنج و مرارتی بود که در این عرصه کشیده بودند. اغلب نامه‌ها از کمبود مواد غذایی و گرانی‌های آنها شکایت داشتند. بلدیّه به عنوان نهادی تازه تأسیس خود را موظف دید که در این حوزه وارد شود و به آن سر و سامانی دهد. در دوره رضاشاه و در جهت مدرن‌سازی جامعه از نهاد بلدیّه هم در حوزه‌های مختلف جامعه و به خصوص مردم شهری استفاده شد و تلاش بر این بود که بلدیّه به عنوان ابزاری در جهت حاکمیت استفاده شود که جامعه را به سمت مدرنیته و نوسازی سوق دهد.

در اینجا باید اشاره کرد که در این زمینه تحقیق مستقلی انجام نشده است. البته در منابع این دوره به تلاش حکومت برای تنظیم بازارهای شهری پرداخته شده است؛ ولی در مورد نهاد بلدیّه و تأثیر آن بر این جریان تاکنون تحقیق مستقلی انجام نشده است. در این پژوهش کوشیده می‌شود به دخالت بلدیّه در حوزه‌های مختلف از معیشت عمومی جامعه شهری پرداخته شود و نقش و تأثیر آن در نوسازی جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد و به طور مشخص به این پرسش پاسخ داده شود که تأثیر نهاد بلدیّه در تنظیم بازارهای شهری و تأمین معیشت شهرنشینان، در راستای نوسازی جامعه، به چه میزان بوده و در این روند تا چه حدودی موفق بوده است.

بلدیّه و خواسته‌های مردم در زمینه تنظیم بازار

یکی از دلایلی که مردم شهرهای مختلف خواستار تأسیس بلدیّه در شهرشان بودند مقابله با «گرانی و گرانی‌فروشی کسبه» بود (اختر مسعود، ۱۳۰۴، ۱). اصلی‌ترین هدف تأسیس بلدیّه‌ها «ایفای حوایج

شهرنشینان» بود و یکی از مهم‌ترین نیازهای مردم شهرها، تأمین کالاهای ضروری برای زندگی‌شان بود. در ماده ۷۰ قانون بلدیّه مصوب سال ۱۲۸۶ شمسی، یکی از وظایف بلدیّه «تعیین و تعدیل نرخ گوشت و نان و سایر ارزاق» عمومی اعلام شده بود. در این قانون همچنین «مراقبت در عدم قحطی آذوقه ی شهر به وسائل ممکنه» و «مساعدت با دولت در ساختن بازارها، نمایشگاه‌های تجارتي و کلیه مراقبت رواج حرفت و تجارت شهر و دایر نمودن محل، تشخیص اسعار و معاملات عمومی» از وظایف بلدیّه عنوان شده بود (مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی، ۱۳۱۸، ۹۳).

با تأسیس نهاد بلدیّه در ایران، امور مربوط به شهر متولی خاص خود را پیدا کرد. شاید نخستین متولیان بلدیّه در ایران، زیاد به اهمیت بسیار زیاد این نهاد در زندگی شهرنشینان واقف نبودند. بلدیّه‌ای که در ابتدای تأسیس نهادی با امکانات و ساختار محدود بود و کارکردهای اندکی داشت رفته رفته در تمامی وجوه زندگی شهری ورود کرد و در انتهای دوره رضاشاه بخش عمده‌ای از فعالیت‌های شهری از قبیل ساخت و ساز بناها، توسعه معابر، بهداشت عمومی سطح شهر، زیباسازی فضاهای شهر، اقدامات فرهنگی و مواردی از این دست به طور مستقیم به این نهاد مربوط می شد. احداث فضاهای جدید شهری مانند بانک‌ها، ادارات، ایستگاه‌های اتوبوس، پارک‌ها و میادین و توسعه معابر و زیباسازی شهرها اقداماتی بود که در این زمینه انجام شد.

اولین گام در راه نوسازی شهرها تغییر نظام اداری و به عبارت دقیق‌تر ایجاد نظام اداری متناسب با دیگر نهادها و مؤسسات نوین و نیز تدوین قوانین مختلف نظیر قوانین مربوط به ثبت املاک، شهرداری‌ها و مسائل مربوط به تعریض معابر، ناشی از نوسازی‌ها بود.

اقدامات بلدیّه علاوه بر آن که رضایت بخش عمده‌ای از جامعه را فراهم نمود مخالفت‌ها و اعتراض‌های زیادی هم در پی داشت. بخشی از جامعه که در اثر اقدامات بلدیّه زیان می‌دیدند بزرگ‌ترین معترضان بلدیّه محسوب می‌شدند. در اثر گسترش معابر و خیابان‌ها، خانه‌ها و مغازه‌های زیادی خراب شد. گرفتن مجوز برای احداث ساختمان‌ها و راه اندازی کسب و کار جدید، اخذ مجوزهای بهداشتی و نظارت بلدیّه بر کسب و کار برخی از اصناف موجبات نارضایتی آنان را فراهم کرده بود.

نوسازی در دوره پهلوی اول با جدیت تمام و در همه جنبه‌ها در دستور کار دولت و مجلس قرار داشت. بلدیّه هم در این زمان مجری اوامر حکومت مرکزی در امر نوسازی بود. تغییراتی که در سطح شهرها در این زمان به وجود آمد به توسعه شهرسازی و وسایل رفاه عمومی انجامید. ایجاد و توسعه خیابان‌ها و معابر و میادین و پارک‌ها، نگاه غربی و بعضاً باستانی به معماری سازه‌های شهری و تغییر شکل زندگی مردم بر اثر تحولات جدید، نوعی مدرن‌سازی جامعه بود. نوسازی که در روبنا دیده می‌شد

ولی بافت مستحکم سنتی جامعه همچنان در تار و پود این نوسازی دیده می‌شد. مردم بلدیّه را نهادی دولتی می‌دانستند که با پشتیبانی حکومت مرکزی می‌تواند با گران‌فروشی و کم‌فروشی کسبه مقابله نماید و به تأمین کالاهای اساسی آنها بپردازد و از بروز قحطی تا حد امکان جلوگیری نماید. موضوع تهیه ارزاق عمومی به قیمت ارزان و نظارت بر توزیع کنندگان ارزاق عمومی، مهم‌ترین خواسته مردم از انجمن بلدیّه بود. در مکتوب شهری یکی از روزنامه‌های آن دوره بیشترین گلایه از بلدیّه به خاطر عدم اهتمام در تأمین ارزاق مردم ذکر شده است:

«ای رؤسا و وکلای انجمن بلدی و اداره بلدی! ای کسانی که ملت شما را امین دانسته، زمام ارزاق و لوازم معیشت خود را به شما سپردند، آیا می‌دانید و خبر دارید که در هر خانه و در هر دکان و در هر حجره و در هر مجلس این شهر، از عزا و عروسی و ضیافت، به جز شکایت از شما چیز دیگر استماع نمی‌شود؟ آیا اطلاع دارید که چه بر فقرا و ضعفا از دست شما می‌گذرد؟ و بقال و قصاب و خیاز و علاف چگونه بر فقرا می‌تازند؟ آیا می‌دانید که فقرا و ضعفا هر روز از سرما و گرسنگی می‌میرند و آنها که زنده‌اند آرزوی مردن می‌کنند؟ آیا می‌دانید از بابت قیمت نان و گوشت و غیبت خاکه و هیزم به فقرا چه می‌گذرد؟ آیا می‌دانید نزدیک است مردم از دست شما به مراکز عالیه شکایت کنند؟ آیا نظامنامه بلدیّه را خوانده‌اید و تاکنون هیچ فصلش را به موقع اجرا گذاشته‌اید؟» (رجایی، ۱۳۸۶، ۳۶۶). برای تأمین هزینه‌های مربوط مقرر شد میزان مشخصی عوارض تعیین و از مردم گرفته شود (دهقان نژاد، ۱۳۹۰: ۲۲۵-۲۲۴).

در همین راستا بلدیّه‌ها به اقداماتی برای کنترل بازار و تنظیم نرخ اجناس دست می‌زدند. اصناف مختلف بیشترین ارتباط را با نهاد بلدیّه در این زمینه برقرار کردند و برخوردها و مشکلات زیادی در راه تنظیم بازار پیش روی بلدیّه بود که در پژوهش حاضر به آنها خواهیم پرداخت.

تعیین نرخ ارزاق و حفظ تعادل آن در بازار

تعیین نرخ ارزاق و حفظ تعادل آن در بازار یکی از مهم‌ترین وظایف بلدیّه و انجمن آن بود. بلدیّه نرخ انواع محصولات لبنی (انجمن بلدیّه اصفهان، ش ۱۰: ۱۳۲۵-۴)، میوه‌ها (انجمن بلدیّه اصفهان، ش ۷، ۱۳۲۵: ۲)، زغال (انجمن بلدیّه، ش ۵، ۱۳۲۵: ۱)، هیزم (جبل‌المتین کلکته، ش ۲۳، ۱۳۲۵: ۱۳) و سایر اقلام (به عنوان نمونه نک: انجمن تبریز، ش ۲۷، ۱۳۲۶: ۴) مورد استفاده مردم را مشخص می‌نمود. فروشندگان موظف به اجرای نرخ‌نامه‌ها بودند و در صورت تخلف جریمه می‌شدند و یا حتی به فلک

بسته می شدند (انجمن بلدیّه، ش ۶، ۱۳۲۵: ۳). نرخ نامه‌ها به صورت مکتوب در سطح شهر پخش و در مغازه‌ها نصب می شدند (انجمن بلدیّه، ش ۸، ۱۳۲۵: ۴) و بدین گونه بلدیّه تلاش خود را برای تنظیم بازار و تثبیت قیمت‌ها آغاز نمود.

یکی از وظایف مهم بلدیّه، کنترل بازار و جلوگیری از تعدیات اصناف مختلف از طریق تعیین قیمت ارزاق عمومی مردم بود (بی طرف، شماره ۱، ۱۳۳۲، ۴). بلدیّه دارای اداره‌ای به نام اداره ارزاق بود که وظیفه تأمین ارزاق عمومی مردم و نظارت بر قیمت آنها را بر عهده داشت. این اداره تحت نظر بلدیّه و حکومت اداره می شد (مختاری، ۱۳۸۰: ۱۴). حکومت در تعیین نرخ ارزاق در شهرهای مختلف دخالت می نمود. اصناف اصفهان در نامه‌ای از حکومت خواستند که «به حکومت و بلدیّه اصفهان دستور بدهند یک نرخ محدود و معینی برای ارزاق تعیین» شود (مختاری، ۱۳۸۰: ۱۴). بنابراین در هنگام افزایش قیمت‌ها روی شکایات مردم با بلدیّه‌ها بود که در این زمینه می توان شکایت همدانی‌ها از بلدیّه بابت افزایش قیمت قند و شکر را ذکر کرد (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره ۸/۲۹/۳۰/۱/۹۷). بلدیّه بر اکثر کالاهای مورد استفاده مردم نظارت داشت؛ ولی مهم‌ترین اقلامی که بر آنها نظارت داشت نان و گوشت بود؛ همچنین بلدیّه بر کالاهای دیگر مانند میوه و محصولات لبنی و غیره هم نظارت می کرد. از اجناس دیگری که بلدیّه به تعیین قیمت آن‌ها می پرداخت می توان از گوشت و کبریت (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۳۱۱/۴/۲۲، ۲۹۳۲۸۹۳۳) یاد کرد.

با این که بلدیّه و انجمن آن قیمت‌ها را مشخص می نمودند؛ ولی در پاره‌ای از موارد هم به این نرخ نامه‌ها توجهی نمی شد. مثلاً در زمینه تعیین قیمت یخ، با این که انجمن و اداره بلدیّه تأکید کرده بودند که یخ به قیمت معین (چهار عباسی) فروخته شود، کمتر کسی آن دستورالعمل را رعایت می کرد (حبل المتین تهران، ش ۱۱۶، ۱۳۲۵: ۴). در این راستا، انجمن بلدی تهران گاهی اوقات اعلامیه‌هایی پخش می کرد و از مردم می خواست به قانون احترام بگذارند؛ ولی فروشنده‌ها به اعلامیه‌ها زیاد توجه نمی کردند (جام جم، ش ۱۲، ۱۳۲۵، ۳). چون بلدیّه به عنوان یک نهاد تازه تأسیس قدرت اجرایی زیادی نداشت این موارد پیش می آمد ولی در ادامه شاهد این هستیم که به تدریج و با پشتیبانی حکومت مرکزی از بلدیّه، قدرت اجرایی این نهاد مدنی به تدریج بیشتر شد و مصرف کننده شهری با مشاهده اثرات مثبت مداخله این نهاد در بازار، بلدیّه را به عنوان پناهگاهی برای شکایات و اعتراضات خود یافت و رفته رفته شخصیت حقوقی و اجتماعی این نهاد در جامعه شکل گرفت.

تنظیم بازار نان

تأمین گندم مورد نیاز شهر برای تهیه نان، از وظایف بلدیّه محسوب می‌شد (نک: سند شماره ۵/۱۲۶/۲۰/۱/۱۰۹، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی). از طرف دیگر بلدیّه به صورت مستقیم بر قیمت نان نظارت داشت و اعلان‌هایی منتشر می‌نمود که در آن قیمت نان را مشخص می‌نمود. مسأله نان برای مردم بسیار مهم بود. آنها از خودسری‌های نانوایان در افزایش قیمت نان شکایت داشتند. شکایتی از اهالی نیشابور مبنی بر گران بودن قیمت نان وجود دارد که از حکومت تقاضای رسیدگی به این امر را دارد (سند شماره ۷/۸۹/۱۲/۱/۶۸، مرکز اسناد مجلس شورای ملی). همچنین مردم اصفهان در نامه‌ای به بلدیّه اظهار داشتند که: «امیدواریم... ریاست بلدیّه... هر چه زودتر فکری به حال فقرا و مخصوصاً کسبه بدبخت اصفهان فرمایند و حتی الامکان از خودسری نانوایان با آن مخلوط‌های عجیب و غریبشان که اسمش را نان گذارده‌اند... جلوگیری نمایند» (اخگر، سال اول، ش ۷۱، ۲۲ بهمن ۱۳۰۷). در مسأله نان در اصفهان و اعتراضاتی که به کمیّت و کیفیت آن مطرح می‌شد موضوع در انجمن بلدیّه این شهر مطرح شد و تصمیم بر این شد «که بلدیّه با حکمران محترم مذاکره نمایند که از طرف وزارت داخله قلعن شود گندم گلپایگان و کمره و محلات را منحصرأً به اصفهان حمل و به نقاط دیگر حمل ننمایند تا بدین وسیله جلوگیری از ترقی قیمت گندم اصفهان به عمل آمده و نان شهر کما فی السابق فراوان کرده...» (هاشمی فشارکی، ۱۳۹۱، ۵۷).

مسأله نان در اصفهان حتی به کشته شدن یکی از کارمندان بلندپایه بلدیّه این شهر به دلیل بالا رفتن قیمت نان، منجر شد. در پی کمبود نان در شهر «جمعی به بلدیّه آمده شکایت از سختی نان نموده معلوم است نتیجه عاجل بخشیده نمی‌شود این بود که قریب ظهر یک بار دکاکین را بسته به طرف اداره بلدیّه رفتند حاجی محمدجعفر خونساری که عضو فعال بلدیّه مشغول نهار خوردن بود. جماعتی بدانجا هجوم برده مشغول زدن او می‌شوند آنقدر مشت و لگد و سایر آلات به بدن او به کار می‌برند که ضعیف شده بر روی زمین افتاده بعضی خواسته‌اند از او دفاع کنند غلبه مهاجمین مجال نداده و ریسمان به پای او بسته از اداره بیرونش می‌آورند و همه جا بر زمین کشانیده تا او را وسط میدان می‌آورند و هر کس یک ضربتی بدو می‌زده تا اینکه در جلوی مسجد شیخ لطف الله او را به درختی می‌آویزند ریسمان پاره شده بر زمین می‌افتد...» (زاینده رود، ش ۱۰: ۱). این موضوع حاکی از آن است که مردم بلدیّه را نهادی مرجع دانسته و آن را مسبب و مسؤول کاستی‌ها در زندگی‌شان می‌دیدند.

تا سال ۱۳۱۱ شمسی بخشی از گندم مصرفی مردم را دولت تأمین می کرد که در این سال دولت، خرید گندم را بر عهده بلدیّه گذاشت. چون قیمت تمام شده نان بسیار بیشتر از سالهای قبل شده بود بلدیّه در سال ۱۳۱۲ شمسی در نامه‌ای به صورت محرمانه و بسیار فوری، از دولت مجوز افزایش قیمت نان را خواستار شد (مختاری، ۱۳۸۰، ۱۹۱/۱). چند ماه بعد عریضه‌ای از تبریز به حکومت مرکزی رسید که نسبت به کمبود نان در شهر شکایت داشتند (مختاری، ۱۳۸۰، ۱۹۲). در همین سال، حسین شکوه، رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی، نامه‌ای به صورت محرمانه به حکومت مرکزی داد مبنی بر وضعیت بد ارزاق به خصوص نان در آذربایجان و تقاضای رسیدگی سریع به این مشکل داشت (مختاری، ۱۳۸۰، ۱۹۳). مردم بلدیّه را مقصر نهایی این وضعیت می دانستند و معتقد بودند که بلدیّه می بایست بر قیمت اجناس و مخصوصاً ارزاق ضروری مردم نظارت کند و مانع از کمبود آنها در شهر شود که رسالت بزرگ این نهاد را می رساند.

بلدیّه قیمت نان را مشخص نمود و تأکید داشت که «متخلفین شدیداً تعقیب خواهند شد» همچنین چنانچه کیفیت نان مرغوب و مناسب نباشد «تمام پخت آن یک روز دکان [به] نفع ایتام و فقرای بلدی ضبط خواهد شد» (مختاری، ۱۳۸۰، ۱۱۹). از طرف دیگر بلدیّه برای نانوایان نظام نامه‌ای منتشر نمود و از آنها خواست طبق قوانین مندرج در این نظام نامه عمل نمایند. برخی از مفاد نظام نامه به این قرار بود: «۱- خبازان مکلفند مطابق دستور و نمونه ای که بلدیّه تعیین می نماید، جنس را پاک نمایند. ۲- دکان‌های خبازی مطابق صورت جداگانه یک صد و پنج باب خواهد بود. ۳- هر دکان خبازی بایستی مبلغ پنجاه تومان وجه الضمان نقدی و پنجاه تومان ضمانت نامه معتبر به بلدیّه تسلیم نماید... ۴- جوهری که طبق ماده ۳ از یکصد و پنج نفر خباز اخذ می گردد، توسط چهار نفر نمایندگانی که از طرف صنف خباز انتخاب خواهند شد، جنس خریداری و روزانه بین خبازان تقسیم و وجه آن را یومیه توسط مشارالیهم دریافت و مجدداً به مصرف خرید جنس رسانیده، که این سرمایه همیشه برای خبازخانه موجود می باشد... ۵- هزاره‌های دیوارهای داخلی هر دکان خبازی، مخصوصاً اطراف طغار و طشتک خمیر، با کاشی یا آهن سفید ساخته شود. ۶- هر دکان خبازی باید دارای چاه یا دستک مخصوص و محفوظ بوده که آب آن پاک و تمیز باشد... ۷- در هر دکان خبازی یک لوحه نصب می شود که قیمت نان در آن نوشته شده و هر خباز که از قیمت مزبور زیادتر بفروشد مورد تعقیب و مجازات واقع خواهد شد... ۸- چنان چه نان خمیر و تلخ یا شن دار یا آرد جو یا تخم علف داخل کنند، که نامرغوب و غیر مأكول باشد، متصدی دکان مزبور متخلف و علاوه بر این که نان موجودی دکان تحت

نظر مأمور بلدیه نصف قیمت به فروش می‌رسد، مورد تعقیب و مجازات خلافی نیز واقع خواهد شد» (اخگر، ش ۸۶۳، ۵ مرداد ۱۳۱۲).

برای کنترل قیمت نان در اصفهان، نامه‌ای از وزارت مالیه به فرمانداری اصفهان موجود است که «چون تهیه و فروش نان به وسیله خانه دارها علاوه بر این که به عواید و مقررات اداره تثبیت غله لطمه وارد می‌سازد، باعث زیان مالیات بر درآمد و رواج بازار قاچاق نیز خواهد بود. متمنی است دستور فرمایید بخشدار و شهردار محل اولاً: تهیه و فروش نان را به وسیله اشخاص متفرقه جداً جلوگیری نموده؛ ثانیاً: نانوایان را ملزم نمایند که مصرف روزانه را به قرار سابق روزی شش خروار از تثبیت غله محل خریداری نمایند» (مختاری، ۱۳۸۰، ۱/۲۴۸).

بدین گونه بلدیه توانست بر بازار آشفته نان تسلط پیدا کند و با ارائه اعلان‌ها و نظام‌نامه‌های مختلف به فعالیت نانوایان چارچوب قانونی دهد و به مرور که قدرت‌مندتر شد توان اجرایی آن هم بالا رفت و تا حدی توانست از تکرار قحطی‌های مکرر نان در ایران جلوگیری نماید.

اقدامات بلدیه در زمینه نظارت بر بازار گوشت

اداره ارزاق و اصناف بلدی در امور مربوط به تأمین گوشت شهر دخالت داشت و این کار را در دو قسمت دنبال می‌کرد: ۱- جنبه مالی آن؛ ۲- جنبه صحتی و بهداشتی آن (مختاری، ۱۳۸۰: ۲۵/۴) انجمن بلدی تهران «کمپانی گوشت» را تشکیل داد تا از روند تصاعدی قیمت آن جلوگیری کند، ولی با مقاومت قصابان مواجه گردید. این مقاومت قابل پیش‌بینی بود. به‌طور کلی در یک جامعه سنتی مخالفت‌هایی با اقدامات نهادهای مدرن صورت می‌گیرد. اقشار مختلفی که منفعشان در آشفتگی و عدم و کنترل و نظارت می‌باشد در برابر تغییرات قاعده‌مند مقاومت نشان می‌دهند و در برابر نهاد مدرن واکنش نشان می‌دهند. بلدیه هم در این زمان با مقاومت‌هایی مواجه شد. انجمن بلدی برای تثبیت قیمت گوشت، انحصار گوشت را به دست اشخاص حقوقی سپرد (صبح صادق، ش ۳: ۳). هر چند مسامحه مجلس در تصویب این انحصار صدای اعتراض اعضای بلدی را بلند کرد (سالور، ۱۳۷۴، ۱۹۳۹، به نقل از: آبادیان و بیطرفان، ۱۳۹۱: ۱۰)؛ ولی با تصویب آن، بلدیه انحصار گوشت شهرها را به اشخاص حقوقی و به خصوص قصاب‌های با سابقه یا افراد مورد اعتماد حکومت می‌سپرد. مثلاً در قراردادی بین بلدیه و شخصی به نام حاجی محمدحسن غازی انحصار گوشت را به دست وی سپرد (سند شماره ۶/۳۹/۱۸/۶/۴۷۲، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی). اقدام دیگری که بلدیه در این

زمینه انجام داد این بود که برای نظارت بر بازار گوشت و کم کردن دلال‌ها پیشنهاد کرد که خرید گوشت شهر، در اختیار آن نهاد قرار داده شود و کس دیگری حق معامله با چوبدار را نخواهد داشت تا بدین صورت هم نظارتی بر گوشت شهر داشته باشد و هم به اختلافات مالی میان چوبدار و قصاب پایان دهد. این پیشنهاد مورد موافقت ریاست وزرا قرار گرفت (مختاری، ۱۳۸۰: ۷۶/۳).

این اقدامات با مقاومت قصابان مواجه گشت و اعتراض زیادی به این کار انجمن داشتند. نمونه‌ای از این اعتراض‌ها، قصاب‌های رشت بودند که در شکایتی به مجلس، به این کار بلدیّه اعتراض نمودند (سند شماره ۸/۵/۲۰/۱/۳۴، اسناد مجلس شورای اسلامی). در شهر قوچان، قصابان این شهر از این که انحصار گوشت شهر به دو نفر خاص داده شده بود اعتراض کردند (سند شماره ۹/۵۵/۱۲/۱/۵۴، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی). در تهران قصابها در اعتراض به این وضعیت، با کم کردن عرضه گوشت باعث کمیاب شدن این محصول در تهران شدند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۲۵: ۳۶۳). از طرفی اداره ارزاق بلدیّه در سال ۱۳۱۱ قراردادی سه ساله (تا خرداد ۱۳۱۴) با صنف قصاب بسته بود که طی آن راهکارهایی برای تثبیت قیمت گوشت و مشخص کردن نرخ ثابت آن در فصول مختلف ارائه می داد و صنف قصاب را به تأمین گوشت شهر مکلف می سازد (مختاری، ۱۳۸۰: ۱۶۸). همچنین این اداره برای تنظیم بازار گوشت تصمیم گرفت: «شرکتی از تجار با سرمایه و بلدیّه تشکیل گردد که به طور کلی گوشت تهران با آن‌ها قرارداد شود» و با این کار از کمبود گوشت و افزایش قیمت آن جلوگیری نمود (مختاری، ۱۳۸۰، ۲۱۵/۶). با این اقدامات تا حدی امور مربوط به تأمین گوشت شهرها سر و سامان می گیرد.

بلدیّه نرخ گوشت را به صورت نرخ‌نامه در همه قصابی‌های شهر نصب می نمود. در بندر انزلی اداره بلدیّه این شهر، نرخ گوشت را در سطح شهر اعلام نمود. اعلان‌های بلدیّه در تمامی قصابی‌های شهر به صورت نرخ‌نامه نصب شد (حبل المتین تهران، ش ۱۳۹، ۱۳۲۵: ۲). این عمل زمینه نارضایتی قصابان را فراهم کرد و باعث نافرمانی آنان از این قوانین شد که انجمن بلدی برای کنترل این وضعیت، طرح تشکیل کمپانی و یا تعاونی را به اجرا درآورد (حبل المتین تهران، ش ۲۳۰، ۱۳۲۶: ۳). بلدیّه شهر مشهد نیز بر نرخ گوشت شهر نظارت داشت و قصاب‌ها را موظف به رعایت نرخ‌نامه این نهاد می نمود (سند شماره ۲۹۳۲۸۹۳۳، مرکز اسناد ملی ایران). ابزار بلدیّه برای کنترل و تثبیت قیمت، قدرت حکومت مرکزی بود. نافرمانی‌هایی که در این مورد شکل گرفت با دخالت بلدیّه به تدریج کم تر شد. در ابتدای تصویب قانون بلدیّه وظایف این نهاد و انجمن بلدیّه که همراه با بلدیّه فعالیت می کرد مشخص شده بود «مطابق قانون بلدیّه یکی از تکالیف انجمن این است که در حفظ صحت نوع خود

اقدام نمایند و از جمله آن منع کردن قصابها است که در شهر گوسفند نکشند که این مطلب اسباب عفونت هوا و تکوین میکروب وبا و سایر امراض مسری و دردهای بی دواست» (هاشمی فشارکی، ۱۳۹۱: ۵). بنابراین با فعالیت قصابها و چوبدارهای متخلف برخورد می‌شد (سند شماره ۳۶۰۳۹۸۳، سازمان اسناد ملی ایران). ضمن این که بلدیّه پا را فراتر گذاشته و حتی بر خرید و فروش گاو و گوسفند هم نظارت می‌کرد و طی اعلانی «خرید و فروش گاو و گوسفند خارج از نظارت بلدیّه را ممنوع» اعلام نمود (مختاری، ۱۳۸۰: ۷). این اقدام بلدیّه هم به تنظیم بازار گوشت کمک می‌کرد و هم در زمینه بهداشت گوشت مصرفی مردم کمک شایانی بود.

یکی از اقدامات بلدیّه نظارت بر مغازه‌های قصابی بود که گوشت فاسد توسط آنها به فروش نرسد. «نظر به اینکه در مسلخ همه روزه بیش از حد لزوم کشتار گوشت می‌شود و گوشت‌های مصرف نشده را برای روزهای بعد نگاه داری می‌نمایند و بعد به فروش می‌رسانند و نگاهداری گوشت خصوصاً گوشت بز و میش باعث تولید امراض می‌شود از طرف اداره صحیه شرحی به حکومت نوشته شده و تقاضا شده است که به اداره بلدیّه دستور داده می‌شود که دکاکین قصابی را تفتیش نمایند که گوشت‌های فاسد و مانده را به فروش نرسانند» (هاشمی فشارکی، ۱۳۹۱: ۵۹).

همچنین از آنجا که تا قبل از تشکیل بلدیّه، قصابها گوشت مصرفی شهر را با گاری‌های معمولی و در شرایط نامناسب بهداشتی به مغازه‌های خود منتقل می‌نمودند، بلدیّه قصابها را موظف نمود که گوشت را با ماشین حمل گوشت و در شرایط بهداشتی منتقل نمایند. این کار بلدیّه هم مطابق معمول با اعتراض قصابها مواجه شد. آنها از سخت‌گیری‌های بلدیّه در این زمینه شکایت داشته و ایراز نارضایتی می‌کردند (سند شماره ۹/۷۵/۱۵/۷/۲۶۶، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی).

البته بلدیّه برای اغلب کالاهای و ارزاق عمومی مردم اعلان‌هایی در سطح شهر پخش می‌نمود و با گذر چندین سال از عمر این نهاد قدرت نظارت آن هم بالا رفته بود و تا حدی توان مقابله با تعدیات اصناف فروشنده ارزاق مردم را داشت. به عنوان مثال بلدیّه رشت نرخ اجناسی مانند پنیر، دوغ، روغن و غیره را طبق اعلانی مشخص نمود و تأکید نمود که «احدی حق فروش اجناس خود را زاید بر مبلغ فوق نخواهد داشت» (سند شماره ۲۹۳۱۱۶۰، مرکز اسناد ملی ایران)؛ یا بلدیّه تهران در نامه‌ای از وزارت کشور خواست جهت جلوگیری از گران‌فروشی کلاه و لباس و پارچه‌های زنانه، قیمت‌ها در گمرک مشخص گردند (مختاری، ۱۳۸۰: ۲۳۸).

مفتّشین بلدیّه

بلدیّه‌مفتّشینی داشت که اوضاع و اخبار شهر و به خصوص بازار را گزارش می‌دادند و به بلدیّه در کار کنترل بازار و مقابله با کم‌فروشی و گران‌فروشی کمک می‌رساندند. بلدیّه تهران برای مفتّشین بلدیّه، نظام‌نامه‌ای تدارک دیده بود که مفتّشین می‌بایست طبق آن نظام‌نامه عمل نمایند. نظام‌نامه دارای هشت ماده و به قرار زیر بود:

«۱- مفتّشین باید دارای جزیی سواد فارسی باشند. ۲- مفتّشین باید تمام دارای لباسیکه اداره برای آنها معین خواهد کرد باشند. ۳- مفتّشین مجاز نیستند پلتکی [پلتیکی] بهه یچوجه راپورت باداره بدهند. ۴- مفتّشین باید تمام راپورت‌هاییکه به اداره بلدیّه می‌دهند از روی صحت و یقین باشند. ۵- مفتّشین باید راپورت‌های خودشان را عصر به عصر به اداره بلدیّه آورده به سردسته بدهند که خلاصه کرده به اتاق تفتیش بیاورند. ۶- تمام مفتّشین باید همه وقت در سر کار معین خود حاضر شده، هرگاه مأمور مخفی خبر بدهد مفتّشین در سر کار خود حاضر نبوند بعد از تحقیق بدون عذر از آنها جریمه نقدی دریافت خواهد شد یعنی از مواجب آنها کسر می‌شود. ۷- مفتّشین حق ندارند راپورت‌های خود را جز اتاق تفتیش به کس دیگر ارائه بدهند. ۸- مفتّشین باید عصر بعصر تماماً در اداره حاضر باشند بعد از آنکه راپورت‌های خود را به سردسته خودشان دادند آن وقت می‌توانند مرخص شوند» (سند شماره ۲۹۳۴۵۴۳، مرکز اسناد ملی ایران). به این ترتیب بلدیّه تشکیلاتی مشخص برای تنظیم و کنترل بازار ترتیب داده بود.

مفتّشین اداره بلدیّه جهت آشنایی با وظایف خود در کلاس‌های مخصوصی شرکت می‌کردند و وظایف خود را یاد می‌گرفتند. مدت این کلاس‌ها هم شش ماه بود (سند شماره ۲۹۳۲۷۹۸۷، سازمان اسناد ملی ایران). بدین گونه بلدیّه در راستای نظارت بر بازار به وجود این مفتّشین احتیاج داشت و به تربیت آنها می‌پرداخت و از آنها به عنوان ابزاری در جهت کنترل بازار و اصناف سود می‌برد.

بلدیّه در ابتدای تشکیل به عنوان یک نهاد مدرن که هدفش «ایفای حوایج شهروندان» بود رفته رفته بزرگ و بزرگ تر شد. این نهاد در ابتدای تشکیل، قدرت چندانی نداشت و در بسیاری از موارد دستورات و اعلان‌های صادر شده از بلدیّه، مورد توجه مردم قرار نمی‌گرفت و از سویی هم به دلیل کمبود بودجه و درآمدزایی پایین این نهاد، قدرت اجرایی چندانی نداشت، رفته رفته و در طول حکومت رضاشاه وسیع تر شد. از آنجا که حوزه فعالیت بلدیّه‌ها، شهر و مردمان آن بودند حکومت مرکزی سعی داشت که این نهاد را به طور کامل زیر سلطه خود درآورد. بنابراین قانون بلدیّه سال ۱۳۲۵ق. / ۱۲۸۶ش.

که در آن نقش انجمن بلدیه پر رنگ بود در سال ۱۳۰۹ ش./۱۹۳۰ م. تغییر کرد و قانون جدید زمینه را برای تمرکز قدرت این نهاد در دست حکومت قرار داد. از آن پس بود که حکومت مرکزی در روند انتخابات انجمن‌های بلدیه دخالت گسترده‌ای نمود و اعضای انجمن‌های بلدی و شهرداران را انتخاب می‌نمود. وجود افراد نظامی در رأس بلدیه، نشانی دیگر از تلاش حکومت برای دخالت در این نهاد نوظهور بود.

جلوگیری از قحطی

طبق نظام‌نامه بلدی، مسئولیت جلوگیری از قحطی در شهر بر عهده انجمن بلدیه بود. بدین صورت که «یکی از تکالیف انجمن بلدیه مطابق ماده سیم مراقبت در عدم قحطی آذوقه شهر است» (انجمن بلدیه، ش ۱۰، ۱۲۸۶: ۳) به همین خاطر، هر از گاهی، انجمن قوانینی را وضع می‌کرد تا از خروج بعضی اقلام شهر جلوگیری کند. در اصفهان، کمبود مواد غذایی انجمن بلدی را مجبور ساخت صدور میوه و برنج را از اصفهان به یزد ممنوع کند (احتشامی، ۱۳۲۵: ۴۹)؛ جلوگیری از خروج غیرقانونی ارزاق عمومی مانند برنج و روغن (انجمن بلدیه اصفهان، ش ۱۰، ۱۳۲۵: ۳) از دیگر اقدامات این نهاد برای جلوگیری از قحطی در شهر بود. همچنین برای جلوگیری از احتکار ارزاق عمومی، بلدیه از ریاست وزرا خواستار مجوزی بود که انبارهای محتکرین را کشف و توقیف نماید و بازار ارزاق مردم را تحت کنترل خود داشته باشد (مختاری، ۱۳۸۰: ۶۵).

با شروع جنگ جهانی دوم و کمبود و قحطی مواد غذایی در کشور، دولت تصمیم گرفت با همکاری نهادهای مختلف و به خصوص شهرداری از احتکار کالاهای مصرفی مردم و قحطی پیشگیری نماید (مختاری، ۱۳۸۰، ۲۵۳) که البته توفیق چندانی نیافت و کشور ما در جنگ جهانی دوم دچار قحطی بزرگی شد که تلفات زیادی به دنبال داشت.

همچنین از طرف بلدیه میدان‌هایی برای فروش مایحتاج مردم و جلوگیری از قپان‌داری ایجاد می‌شود که طبق آن «عوارض قپان که عبارت از حق الوزن است با اسلوب صحیح و مرتبی در میدان‌های مزبور مأخوذ گردد» (هاشمی فشارکی، ۱۳۹۱: ۴۰). به این ترتیب بلدیه راه را بر فروشندگان کم‌فروش و گران‌فروش می‌بندد و کمک بزرگی به تنظیم بازار می‌نماید.

بلدیّه و اصناف

بلدیّه اصناف مختلف را به گرفتن پروانه کسب ملزم نموده بود و از این طریق بر آنها نظارت داشت. آگهی شهرداری اصفهان به اصناف جهت اخذ پروانه کسب به قرار زیر بود:

«چون اداره شهرداری بایستی از کلیه طبقات پیشه‌وران و رسته‌های مختلف اطلاعات کافی داشته باشد و بالتیجه صورت جامعی در دسترس این اداره باشد به کلیه آنها اخطار می‌شود که از این تاریخ تا یک ماه دیگر باید تمام پیشه‌وران و رسته‌های مختلف از اداره شهرداری پروانه کسب تحصیل نمایند چنانچه در گرفتن پروانه مسامحه کنند یا هر یک از آنها در انقضای مدت پروانه نداشته باشند طبق مقررات تعقیب خواهند شد» (هاشمی فشارکی، ۱۳۹۱: ۸۳).

اصناف هم از بلدیّه بابت مشکل تراشی در کارشان شکایت می‌کردند. آنها از عملکرد بلدیّه‌های شهرشان ناراضی بودند. به عنوان مثال اصناف کرمانشاه (سند شماره ۵/۱۲۱/۲۱/۱/۳۷، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی) و بندرعباس (سند شماره ۵/۱۲۵/۲۰/۱/۷۶، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی) از عملکرد بلدیّه‌ها در قبال اصناف به مجلس شورای ملی شکایت بردند. بلدیّه اصناف مختلف را مجبور به اخذ مجوز کسب کرده بود و هر واحد صنفی که مجوز کسب نداشت توسط بلدیّه جریمه می‌شد یا از فعالیت تجاری وی ممانعت به عمل می‌آمد. با توجه به از بین رفتن منافع تجاری اشخاص در این طرح، آنها با این اقدام بلدیّه مخالفت می‌کردند و از بلدیّه شکایت می‌نمودند. به عنوان نمونه یک بقال اصفهانی از اینکه بلدیّه اصفهان از فعالیت تجاری وی بابت نداشتن مجوز کسب جلوگیری کرده بود از بلدیّه شاکی بود (سند شماره ۸/۱۹۶/۱۵/۱/۱۱، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی).

در مواردی دیگر صنف کبابی و آشپز قزوین از ممانعت بلدیّه در کشتار گوسفند توسط آنان شاکی بودند (سند شماره ۸/۱۹۹/۱۷/۱/۴۵، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی). بلدیّه این اقدام را در راستای تنظیم و کنترل بازار گوشت انجام داد و از طرفی بهداشت گوشت عرضه شده در بازار هم از دلایلی بود که بلدیّه را وادار کرد که به امر کشتار و تهیه گوشت شهر نظارت دقیق داشته باشد.

بلدیّه به تخلفات اصناف هم رسیدگی می‌کرد در اصفهان «خاتم سازها عارض بودند که آئینه‌سازهای متغلب شغل ما را از میان برده‌اند و کاغذ به شکل خاتم درست کرده‌اند و به آئینه می‌چسبانند و ارزان می‌فروشند و رعیت دهات هم تمیز نمی‌دهند لهذا صنعت خاتم‌سازی منسوخ شده از جانب انجمن قرار شد روز دوشنبه در اداره بلدیّه قراری در این کار داده شود و جلوگیری از این تغلب شود...» (انجمن بلدیّه، ش ۱: ۴).

بلدیّه برای ورود به امور حقوقی اصناف مجوزهای لازم را نداشت. نامه‌ای از کریم آقا بوذرجمهری (کفیل بلدیّه) به حسن مستوفی ریاست وزرا موجود است در خصوص عدم صلاحیت اداره ارزاق بلدی در رسیدگی به امور حقوقی اصناف که کار بلدیّه را در تنظیم بازار و کنترل اصناف مشکل می نمود (مختاری، ۱۳۸۰: ۲۳). دو ماه بعد بلدیّه تهران از ریاست وزرا خواستار مجوز می شود که در امور حقوقی صنف قصاب و اصناف مربوطه مداخله نماید. استدلال بلدیّه هم این بود که «نظر به اینکه بلدیّه در امور حقوقی نمی تواند مداخله نماید و از جانبی مجبور به انتظام گوشت شهر می باشد» بلدیّه پیشنهاد می کند کمیسیونی در وزارت عدلیه تشکیل و به کار اصناف رسیدگی شود (مختاری، ۱۳۸۰: ۳۱).

کمی بعد هم که صنف نذاف (پنبه زن) تقاضای مداخله بلدیّه در اختلافات این صنف را داشت حکومت مرکزی همچنان اصرار داشت که «اختلافاتی که جنبه حقوقی نداشته باشد البته بلدیّه می تواند رسیدگی و تصفیه کند. لیکن دعاوی حقوقی و قضایی را که رسیدگی به آنها از وظایف عدلیه است، نمی توان به بلدیّه محول داشت» (مختاری، ۱۳۸۰: ۳۲/۱). بلدیّه در مورد دخالت در امور حقوقی اصناف جواب داد که «اداره ارزاق بلدیّه تا قبل از وضع و اجرای قانون مجازات عمومی حسب الوظیفه در کلیه حدود دعاوی صنفی اصناف مطابق نظام نامه‌هایی که از تصویب مقام منبع ریاست وزرای عظام گذشته بود، مداخله می نمود؛ ولی پس از موقعی که قانون مجازات عمومی به موقع اجرا گذارده شد و ماده ۱۳۰ آن کلیه تشکیلات غیر قضایی را از هرگونه مداخله در امور حقوقی ممنوع داشت... به ناچار بلدیّه بکلی از رسیدگی به این قبیل مسائل خودداری به عمل آورد» (مختاری، ۱۳۸۰، ۳۳/۲)؛ ولی برخی از اصناف همچنان خواستار ورود بلدیّه به دعاوی و امور صنفی شان بودند. در این مورد می توان از تقاضای صنف قهوه‌چی (مختاری، ۱۳۸۰: ۳۵) و صنف صفّار (مختاری، ۱۳۸۰: ۳۷) به تهران از اداره بلدیّه یاد کرد که خواستار رسیدگی به امور و دعاوی صنف‌هایشان توسط بلدیّه بودند. بلدیّه با توجه به منع حکومت مرکزی، در امور حقوقی اصناف دخالت نمی کرد و به اموری که جنبه حقوقی نداشت می پرداخت.

بلدیّه در مسایل حقوقی اصناف دخالت نمی کرد؛ ولی با دادن اعلان‌ها و نظام‌نامه‌هایی چارچوب فعالیت اصناف مختلف را تدوین می کرد و از آنها می خواست که به این اعلان‌ها و نظام‌نامه‌ها پایبند باشند. به عنوان مثال نظام‌نامه خبازها که در همین پژوهش به آن اشاره شد و یا اعلان بلدیّه به برخی اصناف در مورد تعطیلی روز جمعه که آنها را الزام به اجرای آن می کرد؛ بخشنامه‌ای از فرمانداری اصفهان در مورد تعطیلی اصناف در روز جمعه موجود است مبنی بر این که: «۱- تعطیل همگانی در هفته برای تمام طبقات پیشه‌وران و رسته‌ها فقط روز آدینه خواهد بود؛ ۲- دکان‌های نانوائی، گوشت‌فروشی، خواربارفروشی که مورد نیاز اهالی است مشمول بند ۱ نخواهد بود. تبصره: رستوران‌ها،

چایخانه، گرمابه‌ها، مهمانخانه، کافه مرکزهای بارفروشی، گاراژها نمی‌توانند در روز آدینه دست از کار بکشند، مگر آن که عذر موجه داشته باشند؛ ۳- آرایشگاه‌ها پیش از ظهر آدینه باز و تعطیل بعد از ظهر هم اختیاری است؛ ۴- داروخانه‌ها مثل پیش با رعایت نوبه و دستور شهرداری باید رفتار نمایند» (مختاری، ۱۳۸۰، ۲۶۱/۳). تمامی این اقدامات موجب رضایت اهالی شهرهای مختلف شد که طی نامه‌هایی به حکومت مرکزی یا مجلس رضایت‌مندی خود از اصلاحات بلدیّه در شهرستان را عنوان می‌نمودند که در این زمینه می‌توان به تشکر اهالی اراک از بلدیّه اشاره نمود (مختاری، ۱۳۸۰: ۹۲).

تغییراتی که بلدیّه می‌خواست طبق قواعد خاصی در جامعه شهری پیاده نماید خوشایند بخش سنتی جامعه نبود. جامعه‌ای که به آشفتگی و عدم وجود نظم خو کرده بود در برابر قوانین این نهاد مدرن مخالفت می‌کرد و به سختی می‌توانست از «منفعت فردی» دست کشیده و «منافع جمعی» را در نظر بگیرد. تنها زمانی که به برخی از نتایج مثبت اقدامات بلدیّه پی برد تا حدی از مخالفتش کاسته شد. در این میان تعدادی هم بودند که به هیچ عنوان حاضر به همکاری با بلدیّه نبودند که در این موارد، نهاد بلدیّه از پشتیبانی حکومت مرکزی سود جسته و برنامه‌های خود را پیش می‌برد.

نتیجه‌گیری

با تشکیل نهاد بلدیّه رفته رفته حوزه اختیارات و اقدامات این نهاد مدنی توسعه یافت و به شکلی خزنده به جامعه سنتی نزدیک و نزدیک‌تر شد. در اولین برخوردهای جامعه سنتی با قوانین و مصوبات بلدیّه، مخالفت‌ها با اقدامات آن شروع و دامنه‌دار شد. اصناف و صاحبان املاک توسعه معابر را در حلقه اول به معنای از بین رفتن منافع شخصی خود قلمداد نمودند، کسب مجوز و مشخص کردن قیمت کالاها را نوعی مداخله در کسب و کار خود می‌دیدند و راه برای احتکار و کم‌فروشی و مواردی از این دست بسته و بسته‌تر شد؛ اما بلدیّه با اعلان‌ها و بخشنامه‌های خود به بازار ورود کرد و با پشتیبانی حکومت مرکزی در برابر مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها ایستاد و به تدریج با گذر زمان تسلط بیشتری بر بازار پیدا کرد و مخالفان سنتی این نهاد ندرن هم مجبور به تبعیت از آن شدند.

با اقداماتی که بلدیّه در کنترل بازار انجام داد حجم شکایات مردمی در این حوزه کاهش یافت. فعالیت اصناف مختلفی که در بازار فعالیت می‌نمودند تا حدی چارچوب قانونی پیدا کرد. بازاریان نیاز به صدور مجوز از سوی بلدیّه داشتند و از این طریق بلدیّه بر آنها نظارت داشت. کم‌فروشی و گران‌فروشی و احتکار بازاریان از سوی بلدیّه با جریمه و مجازات مواجه می‌شد، کالاهای اساسی و ضروری مردم از

قبیل نان و گوشت تحت کنترل نسبی بلدیّه درآمد و این نهاد کمک بزرگی به حکومت مرکزی در تنظیم بازار نمود. بلدیّه با استفاده از مفتشین و مأموران خود بر حسن اجرای قوانین و اعلان‌های صادر شده نظارت می‌کرد. با وجود مخالفت‌های بخش سنتی بازار و متخلفان اقتصادی با این تغییرات، عمده مردم از این تغییرات استقبال نمودند و حتی برخی از اصناف از بلدیّه برای ورود به امور داخلی صنفشان دعوت می‌کردند.

منابع و ماخذ

الف- اسناد منتشر نشده

- سند شماره ۱۰۹/۱/۲۰/۱۲۶/۵، مورخ ۱۳۰۳/۹/۱۴، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شماره ۱۳۷/۱/۲۱/۱۲۱/۵، مورخ ۱۳۰۳/۱۰/۷، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شماره ۱۷۶/۱/۲۰/۱۲۵/۵، تاریخ ۱۳۰۳/۱۱/۲۸، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شماره ۴۷۲/۶/۱۸/۳۹/۶، مورخ ۱۳۰۶/۱۲/۱۰، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شماره ۱۲/۱۹/۷/۶۸/۱، مورخ ۱۳۰۷/۱۰/۹، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شماره ۳۴/۱/۲۰/۸/۵/۸، مورخ ۱۳۰۹/۱۲/۲۱، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شماره ۴۵/۱/۱۷/۱۹۹/۸، تاریخ ۱۳۱۱/۳/۲۸، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شماره ۹۷/۱/۳۰/۸/۳۹/۸، تاریخ ۱۳۱۱/۷/۷، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شماره ۱۱/۱/۱۵/۱۹۶/۸، تاریخ ۱۳۱۱/۸/۱۵، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شماره ۵۴/۱۲/۱۲/۹/۵۵/۹، مورخ ۱۳۱۲/۳/۱۱، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شماره ۲۶۶/۷/۱۵/۷۵/۹، مورخ ۱۳۱۳/۲/۳۱، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
- سند شماره ۲۹۳۲۸۹۳۳، مورخ ۱۳۱۱/۲/۴، سازمان اسناد ملی ایران.
- سند شماره ۲۹۳۱۱۶۰، تاریخ ۱۳۱۴/۴/۳۰، سازمان اسناد ملی ایران.
- سند شماره ۲۹۳۴۵۴۳، بدون تاریخ، نظامنامه مفتشین اداره بلدیه، مرکز اسناد ملی ایران.

ب- اسناد منتشر شده:

- اسنادی از انجمن‌های بلدیه، تجار و اصناف (۱۳۲۰-۱۳۰۰ ه.ش)، (۱۳۸۰) به کوشش رضا مختاری اصفهانی، تهیه و تنظیم: معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سند شماره ۷، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۰۴/۳/۷.
- سند شماره ۱۴، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۰۴.
- سند شماره ۲۳، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۰۵/۴/۲۶.
- سند شماره ۴/۲۵، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۰۵/۷/۵.
- سند شماره ۳۱، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۰۵/۶/۲۳.

- سند شماره ۳۲/۱، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۰۵/۷/۴.
- سند شماره ۳۳/۲، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۰۵/۸/۱۴.
- سند شماره ۳۵، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۰۵/۸/۸.
- سند شماره ۳۷، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۰۵/۸/۱۷.
- سند شماره ۶۵، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۰۶/۱۰/۶.
- سند شماره ۷۶/۳، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۰۷/۷/۸.
- سند شماره ۹۲، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۰۸/۳/۱۴.
- سند شماره ۱۱۹، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۱۰.
- سند شماره ۱۶۸، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۱۱/۴/۱۶.
- سند شماره ۱۹۱/۱، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۱۲/۵/۲۹.
- سند شماره ۱۹۲، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۱۲/۹/۶.
- سند شماره ۱۹۳، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۱۲/۹/۱۹.
- سند شماره ۲۱۵/۶، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۱۴/۱۰/۲۸.
- سند شماره ۲۳۸، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۱۶/۱/۲۴.
- سند شماره ۲۴۸/۱، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۱۷/۱۰/۲.
- سند شماره ۲۶۱/۳، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۱۹/۸/۷.
- سند شماره ۲۵۳، اسناد ریاست جمهوری، تاریخ ۱۳۱۸/۶/۱۴.

اسناد بلدیه و شهرداری اصفهان از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی (۱۳۹۱) گردآورنده دبیرا
هاشمی فشارکی، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

- سند شماره ۵، اسناد بلدیه اصفهان، تاریخ ۱۲۸۶/۷.
- سند شماره ۴۰، اسناد بلدیه اصفهان، تاریخ ۱۳۱۰.
- سند شماره ۵۷، اسناد بلدیه اصفهان، تاریخ ۱۳۱۱/۹.
- سند شماره ۵۹، اسناد بلدیه اصفهان، تاریخ ۱۳۱۱/۹/۲۸.
- سند شماره ۸۳، اسناد بلدیه اصفهان، تاریخ ۱۳۱۷/۱۰/۱۷.

ج- روزنامه‌ها:

- روزنامه اختر مسعود، سال ششم، ش ۱۸، ۳۱ شهریور ۱۳۰۴.
- روزنامه اخگر، سال اول، ش ۷۱، ۲۲ بهمن ۱۳۰۷. (به نقل از تحولات عمران شهری اصفهان، ص ۲۷)
- روزنامه اخگر، سال پنجم، ش ۸۶۳، ۵ مرداد ۱۳۱۲.
- روزنامه انجمن بلدیه، شماره ۱، رمضان ۱۳۲۵.
- روزنامه انجمن بلدیه، فرج بعد از شدت، سال اول، ش ۵، رمضان ۱۳۲۵.
- روزنامه انجمن بلدیه، سال اول، ش ۶، رمضان ۱۳۲۵.
- روزنامه انجمن بلدیه، سال اول، ش ۸، شوال ۱۳۲۵.
- روزنامه انجمن بلدیه، شماره ۱۰، تاریخ ۱۲۸۶.
- روزنامه انجمن بلدیه اصفهان، سال اول، ش ۱۰، شوال ۱۳۲۵.
- روزنامه انجمن تبریز، دوره دوم، ش ۲۷، ۱۳۲۶ ق.
- روزنامه بی طرف، شماره ۱، ۱۵ شوال ۱۳۳۳ ق.
- روزنامه حبل المتین تهران، سال اول، شماره ۱۱۶، ۶ شعبان ۱۳۲۵.
- روزنامه حبل المتین تهران، سال اول، شماره ۱۳۹، ۴ رمضان ۱۳۲۵.
- روزنامه حبل المتین تهران، سال اول، شماره ۲۳۰، ۱۵ محرم ۱۳۲۶.
- روزنامه حبل المتین کلکته، سال پانزدهم، ش ۲۳، دوشنبه ۲۴ ذی قعدة ۱۳۲۵.
- روزنامه جام جم، سال اول، شماره ۱۲، ۱۵ رمضان ۱۳۲۵.
- روزنامه زاینده رود، شماره ۱۰.
- روزنامه صبح صادق، سال دوم، شماره ۳.

د- مقالات:

- آبادیان، حسین و محمود بیطرفان (۱۳۹۱) «موانع تاریخی رشد مدیریت شهری در دوره اول مشروطه؛ تجربه انجمن بلدیه»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم.

احتشامی، لطف‌الله، «تجارت در سرای مخلص بازار قدیمی اصفهان در دوره قاجاریه (۱۳۲۵)»، گنجینه اسناد، سال دهم، شماره‌های ۳۸-۳۷.

دهقان نژاد، مرتضی (۱۳۹۰) «از پاتسی تا بلدیّه»، مجموعه مقالات همایش یکصدمین سالگرد تأسیس شهرداری، به کوشش محمدعلی چلونگر، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

۵- کتب

رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۶) اصفهان از انقلاب مشروطه تا جنگ جهانی اول، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۷) تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره پهلوی اول (۱۳۳۰-۱۳۰۴)، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۲۵) دوره اول، تهران، اداره روزنامه رسمی کشور، ص ۳۶۳.

مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی (۱۳۱۸) مجلس شورای ملی، تهران.